

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: انوار الشهادة . ۲ تا عزاداری . جلد تیماجی ضربی کهنه

مؤلف متن: مؤلف ملا حسن بن علی یزدی کتبو محشی حاشیه کرن

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر: حدود ۱۲۶۶

نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: ۱۶

موضوع: تاریخ زبان: فارسی عدد اوراق: ~~۱۶۰~~ ۱۵۶

طول ۲۰ عرض ۱۴/۵ شمارهٔ عمومی ۲۸۲۲۷

~~وقفی~~ خریداری: آستان قدس در ۱۲۸/

تاریخ وقف: – نام کاتب: به خط مؤلف

ملاحظات

بازبین شد
۸۹–۰۳۷۱ ش

ف.ش.ش
۱۳۸۹/۹/۸

حبس ... گذاشته شد

از طرف ... شهر

الصلوٰة والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱/۱

انی عریضة من امة ذلیلة سکینة مجاهة الی عتبة المقدسة

زینب

مولانا ومولی الکونین ابی الفضل العباس علیه الصلوٰة والسلام

لاجل حصول ما فی قلبی وضمیری الی قضی بازائه یا مولا

انا امتک ودخیلک لیس لی غیرک رجاء وملاذ وملجاء

استجب عرضی هذا حصول ما فی ضمیری ورفاهیت احوالی

وخلاصی من عموم الهم والغم والسقم والم بحق جدک وابیک

واخیک السعید الشهید مولانا ومولی الثقلین ابی عبدالله

الحسین صلوٰة الله علیه وعلی جده وابیه وامه واخیه واحبابه

ورحمة الله وبرکاته

انوار الشهادة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الحمد لله الذی جعل البلاء تحفة للانبياء وهدية
للاوصياء النجباء والشهادة لرفع الدرجة العلى والشفاعة الكبرى والصلوة
والسلام على سيد الورى اشرف الانبياء محمد المصطفى وعلى سيد الاوصياء
علی المرتضی والائمة النجباء الاصفياء الذين هم خير اهل الارض والسماء لا سيما
على المطروح في الفلا المنفرد بالغربة غريب الغرباء قتيل الادعياء سيد الشهداء
المطروح على ارض كربلا محروق الخباء ومحزوز الراس من القفا
ومسلوب العمامة والرداء ومن بكت عليه ملائكة السماء وناحت عليه
سكان الفلا ابن سادات النقباء وخامس اصحاب الكساء مولانا ومولى
العالمين ابی عبد الله الحسين ع روحنا له الفداء ولعنة الله على جميع
اشقيائه في كل [illegible] مساء الى يوم الجزاء وبعد چنين گويد خادم اهل
علم و[illegible] حافظ [illegible] حسن ابن علی بن علی الیزدی
الکلهوی عفی الله [illegible] که این [illegible] مختصر [illegible] اخبار [illegible] سید
الشهداء ع نمود و از کتب [illegible] احادیث تازه معتبره بسیار [illegible] نمود
[illegible] ذاکرین مطلع [illegible] در مجالس [illegible] مذکور میشد و بسیار [illegible]
[illegible] شیعیان بود [illegible] مشغول [illegible] که [illegible] ازان [illegible]

این فقیر در این اوراق ذکر [illegible] بطریق اختصار که شیعیان حیدر کرار از آن منتفع شوند
این فقیر را در حال [illegible] به دعای خیر یاد و شاد نمایند چنانکه در بعضی مقامات حدیث
باختصار ذکر نماید و نسبت [illegible] رجوع [illegible] باب کبیر [illegible] که در
[illegible] این نسخه را مسمی نمود بکتاب انوار الشهادة فی جمله مصائب عترة

فصل اول

الطاهره علیهم الاف الصلوة والثناء والتحیة [illegible] فصل
[illegible] رسیده مظلومان از [illegible] عظیمه [illegible] بلکه در خور [illegible]
جلیله خدا [illegible] استغفار میکند و از بعضی احادیث معلوم میشود
که ثواب [illegible] طاعات و عبادات بیشتر است و از حد و اندازه خارج است چنانچه
حضرت امام محمد باقر ع فرمود ما من شیء الا وله کیل و وزن الا الدموع فان
العین اذا اغرورقت بمائها حرمها الله على النار وان سالت على الخد
لم یرهق وجهه قتر ولا ذلة ابدا فان قطرة من الدموع لتطفي بحارا من
النار [illegible] هر چیزی از برای ثواب آن حد و اندازه و پیمانه است مگر اشک چشم که از
برای ثواب آن حد و اندازه نیست چرا که چشمی که غرق شود در اشک خود حرام
میکند [illegible] آتش جهنم [illegible] جاری شود [illegible]
با ذلت و خواری [illegible] یک قطره [illegible] دریاهای آتش جهنم [illegible]
[illegible] امام علیه السلام [illegible] ذکر [illegible] سید الشهداء
علیه السلام است چنانچه در کتاب [illegible] شیخ مفید [illegible] از حضرت صادق علیه السلام فرمود
کل الجزع والبکاء مکروه سوی الجزع على الحسين ع فانه فيه ماجور

چرا گریه میکنید فرمود بجهة حدیثی که از جدم شنیدم … تا … از بندگان …
و شما وفات میکنی و شما وارد قبر میشوی و شما محشور … و شما را اخراج …
میشوی ابو ذر گفت ای حسین ع منهم از جدت … شنیدم … است
در زمینی کران را کربلا میگویند با لب تشنه غریب … ابو ذر گفت از عثمان
پس بر غریبی تو ای حسین گریه بیشتر باید کرد … کشند
… شنیدم از پیغمبر ص در حق تو … قوم
و دشمنان اکبر دن حسین ع در آورند … بود که هر گاه بر سند آل ابی العاص …
داشت با دو پسر و دو دختر … خدا را تغییر میدهند و بندگان خدا …
در انجا پسر بزرگش صالحین را دشمن دفا … قبر … جد
گریست بعد از سه ماه پسر دیگر او … قبر پسر کوچک خود بسیار گریست
و گفت … قطع شد … بعد از آن … شوم که … دو پسر او
کشته شدند … او و دیگر دختر بزرگ او فوت شدند و … او
مردند و ابو ذر با دختر کوچک خود که نه ساله بود از شدت قحط رو بیابان
گذاشتند و علف صحرائی میخوردند و عبادت خدا میکردند اتفاق سه روز
گذشت که علف در آن صحرا بگیر او نیامد که افطار نماید ابو ذر از بی … سنگ
بیمار شد و بر روی خاک افتاد دختر او نزد او نشسته گریه میکرد همینکه وقت
وفاتش نزدیک شد دختر خود را طلبید و گفت ای دختر همینکه من وفات کردم … گریست

کردم

این کتاب … بلاد …
هر کس بعد از … بلند …

۱۶۰

… و مرا غسل خواهند
… کسیکه از پدر بعد از تو که متکفل احوال من بشود گفت ای دختر
… آنست که نعش را بردارد … هم بشود در آن
… نمانی … تا حالا … آمد براه قافله حاج … پدر را گرفته
… عجله … بر در … ابو ذر … گریه میکرد ناگاه قافله رسیدند
… پس عثمان پرسید از ابو ذر گفت … دختر ابو ذرم و پدرم در این
گفت … که عباد … ابو ذر گفت ابو ذر غفاری صاحب پیغمبر
… غسل داده کفن کردند مالک کفن کرد …
بعد از آن مدینه طلب … گفت … دختر … ابی عبد الله
… وفات ابو ذر را شنیدند همه گریه
… و اولاد … بن ابیه
همینکه شنیدند که حسین کشته شد … بلند کردند … سوار شدند
مطلا او تا حاضر شدند حذیفه میگوید وقتیکه مالک غسل میداد … دیدم گریه میکنند گفتم چرا گریه میکنی
گفت … نگاه کردم دیدم … ابو ذر ضعیف شده است از گرسنگی … که بدن حسین را
پاره پاره نمودند بعد از آن مالک … گفت … خود … بند و صورت
او … بو سید … امام ع شوم که بعد از شهادت امام ع سر او را بر نیزه کردند و بر او
طپانچه میزدند پس مالک … در خدمت امیر المومنین و حضرت او … نزد او
نوازش نمود و او را … فرستاد … امیر المومنین ع که دختران او را در مجلس … بردند
الا لعنة الله علی الظالمین قد وقع الفراغ فی یوم الاحد … شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۸۶